

چوپان درست کار

۱ چهار سطر اول را از روی درس، با خط خوش بنویس.

روزی بود و روزگاری مردی بود که گوسفندان زیادی داشت. او آدم درستکاری نبود. اما چوپانی داشت که از گوسفندهای او نگهداری می‌کرد و مرد درستکار و راست‌گویی بود. چوپان هر روز شیر گوسفندان را می‌دوشید و به خانه‌ی صاحب گوسفندها می‌برد. او هم آب در آن می‌ریخت و شیر را دو برابر می‌کرد و به مردم می‌فروخت. چوپان هر بار او را نصیحت می‌کرد و می‌گفت: «این کار درست نیست.»

۲ مرتب کن و بنویس.

الف) نگه‌داری - چوپان - می‌کرد - از - گوسفندان.

چوپان از گوسفندان نگه‌داری می‌کرد

ب) وانگی - شود - قطره قطره - دریا - گردد - جمع.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود

۳ مخالف هر کلمه را بنویس.

شروع - درست - زیاد - روز - می‌ریخت - نمی‌فروخت

پایان - نادرست - کم - شب - نمی‌ریخت - می‌فروخت

۴ در دو خط بنویس چرا باید به دیگران کمک کنیم.

چون در دین اسلام به ما سفارش شده است به دیگران کمک کنیم.

کمک کردن به دیگران، حس خوبی دارد.



۱ چهار سطر بعدی را از روی درس، با خط زیبا بنویس.

باران شدیدی

شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی به راه افتاد. چوپان برای نجات خود، بالای درختی رفت اما سیل همه‌ی گوسفندان را با خود بُرد. چوپان، هیچ کاری نتوانست بکند. ناچار، پیش صاحب گوسفندان رفت و گفت: «سیل گوسفندهای تو را برد.»

۲ با حروف درهم ریخته، کلمه بنویس.

ق - ر - ط - ه : قطره

ح - ن - ت - ص - ی : نصیحت

د - ا - ر - س - ت - ر - ک : درست کار

۳ به هر کلمه «ها» اضافه کن و معنی آن را بنویس.

گوسفند: گوسفند ها

چوپان: چوپان ها

درخت: درخت ها

۴ در چند سطر بنویس اگر دو بال داشتی، چه می کردی.

اگر دو بال داشتم در آسمان می چرخیدم .
پرواز می کردم و به پدربزرگ ها و
مادربزرگ هایم سر می زدم .

موفق باشی!





سه سطر بعدی را از روی درس، با خط خوانا بنویس.

۱

چوپان هر بار او را

نصیحت می‌کرد و می‌گفت: «این کار درست نیست.» اما
او به حرف‌های چوپان گوش نمی‌داد و لبخندی می‌زد و
می‌گفت: «تو چوپانی‌ات را بکن و مزدت را بگیر!»

جمله‌ها را از روی درس کامل کن.

۲

• او آدم درست کاری نبود.

• یک روز که چوپان گوسفندان را به چرا برد، باران شدیدی شروع به باریدن کرد.
• چوپان گفت: «شنیده‌ای که می‌گویند قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا
شود.»

به هر کلمه «ها» اضافه کن و جمله بنویس.

۳

گل: گل‌ها : گل‌ها بوی خوبی دارند.

کتاب: کتاب‌ها : کتاب‌ها در قفسه بودند

قطره: قطره‌ها : قطره‌ها یکی یکی از آسمان افتادند

فرض کن به خانه‌ی دوست رفته‌ای و او در خانه نبوده است. برایش یک یادداشت بنویس.

۴

سلام دوست خوبم .

می‌خواستم پیش تو بیایم باهم درس بخوانیم

اما شما منزل نبودید



Four empty square boxes for writing or drawing.

۳۸





سه سطر بعدی را از روی درس بنویس.

۱

مرد گفت: «بهار نمی‌کنم، آخر این همه آب، ناگهان از کجا آمد؟»
چوپان گفت: «شنیده‌ای که می‌گویند قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا
شود. این سیل، همان آب‌هایی است که تو در شیر می‌ریختی و به مردم
می‌فروختی.»

«

کلمه‌هایی را که «ها» دارند، از درس پیدا کن و بنویس.

۲

گوسفندهای آب‌هایی حرف‌های

مخالف کلمه‌هایی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، بنویس.

۳

کوچکی
یک روز که چوپان، گوسفندان را به چرا بزد، باران شدیدی شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی به راه افتاد.
چوپان برای نجات خود، بالای درختی رفت. سیل همدی گوسفندان را با خود بُرد.
پایین
نبرد

درباره‌ی تصویر، سه جمله از زبان گوسفندان بنویس.

۴

کاش چوپان ما را نجات دهد

چرا کسی به ما کمک نمی‌کند

چوپان از درخت پایین بیا و ما را نجات
بده



۴۰

دستت درد نکند!



نوشته‌ی زیر را پررنگ کن و زیبا بنویس.

خداوند انسان‌های راست‌گو و درست‌کار را دوست دارد.

خداوند انسان‌های راست‌گو و درست‌کار را دوست دارد.

مانند نمونه، برای دیگر خانه‌های جدول، سؤال طرح کن.



۱- نام یکی از کتاب‌های شما.

۲- بر سر می گذارند

۳- نور زیاد

۴- مخالف روز

۵- ما را آفریده است.

۶- دوست خوب همه ما

۷- با آن دندان‌ها را تمیز می کنند

۸- پرنده‌ی نامه بر

۹- جیک جیک می کند

۱۰- مخالف پیر

